



بررسی کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی حدیقه سنایی در تطبیق با مثنوی مولوی مصور موجود در آستان قدس رضوی

فرزانه غزالی^۱، مهناز رضانی^{۲*}، مریم یوزباشی^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. fghazali55@gmail.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. keivanalae@vatanmail.ir

^۳ دکتری تخصصی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. maryamyoubashi77@gmail.com

چکیده

زبان در قالب ارتباطات کلامی، اهداف و انگیزه‌هایی را به دنبال دارد و این امر وابسته به قصد و منظور گوینده ارتباط کلامی است. شاعران پارسی‌سرای بزرگ نیز از این امر برکنار نبوده‌اند و در قالب اشعار و حکایات و منظومه‌های خویش از ارتباطات کلامی بهره‌های متعددی برده‌اند. یکی از کارکردهایی که ارتباطات کلامی می‌تواند در قالب نقش‌های زبان در دیدگاه یاکوبسن، داشته باشد؛ کارکردهایی اجتماعی آن است. نگارنده در این پژوهش تلاش کرده به بررسی کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی در حدیقه سنایی و مثنوی بپردازد. بررسی کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی حدیقه سنایی و مثنوی مولوی به صورت توصیفی-تحلیلی نشان داد که کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی به صورت‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر مخاطب، ترغیب کردن او، آگاهی بخشی و تنبه او، القای مفاهیم والای تعلیمی و عرفانی و ... نمود پیدا کرده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی کارکردهای اجتماعی ارتباط کلامی حدیقه سنایی.
۲. بررسی تطبیقی کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی در حدیقه سنایی با مثنوی مولوی مصور در آستان قدس رضوی.

سؤالات پژوهش:

۱. در حدیقه سنایی و مثنوی مولوی کدام کارکردهای اجتماعی ارتباط کلامی وجود دارد؟
۲. کارکردهای اجتماعی ارتباط کلامی در حدیقه سنایی و مثنوی مولوی مصور در آستان قدس رضوی چه مختصاتی دارند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۴۸۹ الی ۵۰۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۳

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

ارتباطات کلامی،

کارکردهای اجتماعی،

ترغیبی،

ادبی،

حدیقه سنایی و مثنوی

مولوی.

ارجاع به این مقاله

غزالی، فرزانه، رضانی، مهناز، یوزباشی،

مریم. (۱۴۰۱). بررسی کارکردهای

اجتماعی ارتباطات کلامی حدیقه سنایی

در تطبیق با مثنوی مولوی مصور موجود

در موزه آستان قدس رضوی. مطالعات هنر

اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۴۸۹-۵۰۴.



[dori.net/dor/20.1001.1.*](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.251325.1372)

***** ***/



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.251325.1372



مقدمه

توجه به نقش و کارکردهای زبان تنها منحصر به مباحث زبان‌شناسی نیست و بررسی و تبیین کارکردهای متعدد زبان در آثار ادبی نیز شایان توجه است. یاکوبسن در رابطه با نقش‌ها و کارکردهای زبان به نقش‌های عاطفی، ترغیبی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی، ادبی اشاره نموده است. توجه تو ضیحات ارائه شده یاکوبسن در مورد آنها بیانگر این امر است که غالب نقش‌های مطرح شده توسط او، با کارکردهای اجتماعی زبان، هم‌پوشانی دارد. چرا که در هر کدام از نقش‌های مطرح شده جهت‌گیری پیام یا به سوی مخاطب است یا به سوی خود پیام، این همان حلقه ارتباطی زبان با کارکرد اجتماعی آن است. ارتباط کلامی که گوینده آن به دنبال ارائه اطلاعات و تنبیه مخاطب خود است و یا ترغیب و بازداشتن او و ... دارای کارکرد اجتماعی بوده و جهت‌گیری گوینده آن به سوی مخاطب و کنه موضوع و پیام ارتباط کلامی است. این موضوع در آثار شاعران و نویسندگان مطرح ادبیات اهمیت بیشتری دارد به عبارت دیگر تأثیرگذاری کلام و پیام ارتباطات کلامی آنها بر مخاطب بسیار بیشتر از سایر افراد است. این پژوهش بر آن است که به بررسی و تبیین کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی در حدیقه سنایی و مثنوی مولوی بپردازد و به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که کدام نقش‌های زبانی در ارتباطات کلامی موجب ایجاد کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی شده است؟

در رابطه با ارتباطات انسانی کلامی و غیرکلامی پژوهش‌های متعددی تدوین شده است اما در رابطه با تبیین کارکردهای اجتماعی ارتباطات انسانی به واسطه نقش‌های (ترغیبی، ارجاعی، ادبی، عاطفی، ...) در حدیقه سنایی و مثنوی مولوی پژوهش مستقل و جامعی صورت نگرفته است. از جمله پژوهش‌هایی که به صورت گذرا به ارتباطات انسانی در بعد کلامی در حدیقه و مثنوی مولوی اشاره نموده‌اند عبارتند از: عبدالله زاده و صمصامی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شاخصه‌های ارتباط کلامی در تمثیلات مثنوی» به بررسی موضوع پرداخته‌اند. گرجی و محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل مفهوم ارتباط‌های چهارگانه بشری در مثنوی معنوی» به بررسی ارتباطات در مثنوی معنوی انواع آن پرداخته است. با این تفاسیر پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای در صدد واکاوی ارتباطات کلامی در حدیقه سنایی و مثنوی مولوی است.

۱. نقش‌ها و کارکردهای زبان یا ارتباطات کلامی

یاکوبسن به هنگام طرح نقش‌های زبان ابتدا نموداری کلی از روند ایجاد ارتباط به دست می‌دهد. به اعتقاد وی گوینده پیامی را برای مخاطب می‌فرستد. پیام زمانی مؤثر خواهد بود که معنایی داشته باشد و طبعاً می‌باید از سوی گوینده رمزگذاری و از سوی مخاطب رمزگردانی شود. پیام از طریق مجرای فیزیکی انتقال می‌یابد (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۴). یاکوبسن شش جزء تشکیل‌دهنده فرایند ارتباط یعنی گوینده، مخاطب، مجرای ارتباطی، رمز، پیام و موضوع را که

حاصل معنی است، تعیین‌کننده نقش‌های ششگانه زبان می‌داند. وی در اصل دیدگاه بولر را مبنای کار خود قرار داده و به تکمیل آن پرداخته است. این نقش‌های ششگانه عبارت‌اند از:

به اعتقاد یاکوبسن در نقش عاطفی از زبان، جهت‌گیری پیام به سوی گوینده است. این نقش زبان تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد؛ خواه گوینده حقیقتاً آن احساس را داشته باشد و خواه وانمود کند که چنین احساسی دارد. در دیدگاه ارائه شده توسط یاکوبسن؛ نقش صرفاً عاطفی زبان در حروف ندا تظاهر می‌یابد، مانند «ای وای» و یا اصواتی مثل «نچ‌نچ» و جز این. این نقش نخستین بار توسط مارتی مطرح شد و این همان نقشی است که مارتینه آن را اندکی گسترش «حدیث نفس» می‌نامد (همان: ۳۵).

در این نقش ترغیبی جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب است. ساخت‌های ندایی یا امری را می‌توان بارزترین نمونه‌های نقش ترغیبی زبان دانست. صدق و کذب این گونه ساخت‌ها قابل سنجش نیست؛ مانند «این کتاب را بخوان»، «ای خدا» و جز این. این نقش زبان پیش از یاکوبسن با اندکی تفاوت از سوی بولر مطرح شده بود. آنچه مارتینه به عنوان حدیث نفس به دست می‌دهد در اصل آمیزه‌ای از نقش عاطفی و برخی از ساخت‌های ندایی مطروحه در نقش ترغیبی است. از نظر مارتینه صورت‌هایی نظیر «ای وای» و «یا خدا» هر دو در چهارچوب نقش حدیث نفس زبان قرار می‌گیرند (همان: ۳۶).

در این نقش ارجاعی جهت‌گیری‌های پیام به سوی موضوع پیام است. صدق و کذب گفته‌هایی که از نقش ارجاعی برخوردار هستند به دلیل آنکه جملات اخباری به شمار می‌روند، از طریق محیط امکان‌پذیر است، مانند «امروز باران می‌بارد»، «برادرم به دانشکده رفته‌است» و جز آن. یاکوبسن بر این نکته تأکید دارد که تمایز میان نقش ارجاعی و نقش ترغیبی زبان از طریق امکان تشخیص صدق یا کذب گفته مشخص می‌گردد و جملات اخباری زبان تماماً از نقش اخباری برخوردارند. لاینز آین نقش را توصیفی و بولر آن را بیانی می‌نامد (همان: ۳۶). به اعتقاد یاکوبسن هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دو آن‌ها احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند مطمئن شوند، جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود. در چنین شرایطی زبان برای صحبت درباره خود زبان به کار می‌رود و واژگان مورد استفاده شرح داده می‌شود. از نقش فرازبانی به‌ویژه در فرهنگ‌های توصیفی استفاده می‌شود (همان: ۳۷). در این نقش همدلی جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی است. بنا به گفته یاکوبسن هدف برخی از پیام‌ها این است که ارتباط برقرار کنند، موجب ادامه ارتباط شوند یا ارتباط را قطع کنند؛ برخی دیگر عمدتاً برای حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است (همان: ۳۷).

در نقش ادبی از زبان، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است. در این شرایط پیام فی‌المنفسه کانون توجه قرار می‌گیرد. به اعتقاد یاکوبسن، پژوهش در رابطه با این نقش زبان بدون در نظر گرفتن مسائل کلی زبان به ثمر نخواهد رسید و از سوی دیگر بررسی زبان نیز مستلزم بررسی همه‌جانبه نقش شعری آن است. صفوی در کتاب از زبان‌شناسی

¹ K. Buhler

² A. Marty

³ J. Lyons

به ادبیات (نظم) در این رابطه می‌نویسد: «کاربرد اصطلاح نقش شعری و استفاده از واژه شعر می‌تواند سبب شود تا توجه تنها به بخشی از این نقش زبان معطوف گردد. این امر در دیدگاه یاکوبسن نیز این‌گونه مطرح شده که نقش شعری زبان را نمی‌توان محدود به شعر دانست و ساختار شعر نیز محدود به نقش شعری زبان نیست» (همان: ۳۷).

فلاد و همکاران (۱۳۷۰) نیز نقش‌های ارتباطی مختلفی را برای ارتباط کلامی مطرح نموده است: نقش کنترل‌کنندگی ارتباط: خواست، پیشنهاد، امر، اظهار عقیده، تعیین برنامه، اجازه، قصد سؤال به صورت درخواست و یا اجازه در مورد قصد دیگری، سؤال در مورد توجیه کاری، قول، تهدید، هشدار، ممنوعیت، شرط، قرارداد، تصدیق، ...

نقش احساسات فرد در ارتباط: تعجب، بیان حالت یا نگرش، نگرش سؤالی، طعنه و تهدید.

نقش آگاه‌کننده ارتباطات: بیان خبر، سؤال (مثبت یا منفی)، پاسخگویی.

نقش تشریفات در ارتباط: خوش‌آمدگویی، خداحافظی، صدا زدن، سپاس، پاسخ یا آمادگی.

نقش تصورکننده: تفسیری، بیانی، پی‌برنده و اکتشافی.

۲. معرفی نسخه مثنوی مولوی مصور موجود در آستان قدس رضوی

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، متولد ۶۰۴-۶۷۲ ق. است. مهمترین اثر وی، مثنوی معنوی است که نسخ مصور متعددی از آن بر جای مانده است. یکی از این نسخ مصور در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این نسخه مربوط به سال ۸۴۵ ه.ق یعنی دوره حکومت تیموریان است. این نسخه به خط نستعلیق و چهارستونه ۲۱ سطری کتابت شده و دارای ۲۸۳ برگ است. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی؛ کتابت یوسف بن محمد الحسینی بن میرزا محمد علی بن میرزا جعفر الخراسانی. - تبریز: کارخانه مشهدی کریم فرزند ملا حسن، ۱۲۶۴-۱۲۶۳ ق

۶ ج (در یک مجلد)؛ ۵/۳۴×۲۱ س. م، رحلی

فارسی

یادداشت: خط نستعلیق؛ جلد مقوایی با روکش تیماج با نقش ترنج و سرترنج ضربی؛ کاغذ فرنگی نباتی

یادداشت: به اهتمام عبدالحسین فرزند مشهدی کریم طبع گردیده است.

یادداشت: ۶ دفتر مثنوی مولوی در یک مجلد است. عنوان حکایت‌های مثنوی درشت تر و متمایز از متن آمده است.

۳. بررسی کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی در حدیقه

سنایی در ارتباطات کلامی از طریق کارکردهای متنوع زبان از جمله کارکرد ارجاعی، ترغیبی، عاطفی و ... به ارائه اهداف ارتباط کلامی خویش از جمله اهداف اجتماعی چون پند و نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر، بیان اعتقادات دینی و عرفانی خویش، برای مخاطب خویش پرداخته است.

سنایی در ابیات ارتباط کلامی ذیل با تکیه بر محتوا و مضمون ارتباط کلامی، در واقع از سویی از طریق کارکرد ارجاعی زبان و از سوی دیگر جهت گیری پیام ارتباط کلامی به سوی مخاطب از طریق کارکرد ترغیبی زبان، هدف اصلی ارتباط کلامی که همان القای مفاهیم عرفانی و آگاهی و تنبه مخاطب است را دنبال نموده است:

| | |
|------------------------------|---------------------------|
| ترسم از جاهلی و نادانی | ناگهان بر صراط درمانی |
| جاهلی مر تو را به نار دهد | تا ترا کوک و کوکنار دهد |
| من بگویم ترا به عقل و به هوش | گر ببندی تو پند من در گوش |
| سگ و زنجیر چون به دست آری | آهوی دشت را شکست آری |

(سنایی، ۱۳۵۹: ۳۰/ب ۷-۱۶).

| | |
|------------------------------|-----------------------------|
| عالمست او به هر چه کرد و کند | تو ندانی بدانت درد کند |
| به ز تسلیم نیست در علمش | تا بدانی حکیمی و حلمش |
| خلق را داده از حکیمی خویش | هر کرا بیش حاجت، آلت بیش |
| در جهان آنچه رفت و آنچه دید | و آنچه هست آن چنان همی باید |
| تو مگو هیچ در میانه فضول | رانده او به دیده کن تو قبول |

(سنایی، ۱۳۵۹: ۳۵/ب ۱۶-۲۳).

سنایی با تکیه بر محتوا و مضمون ارتباط کلامی خویش از کارکرد ارجاعی زبان و از سوی دیگر با توجه به جهت گیری پیام به سوی مخاطب به منظور هدایت و تنبه او و امر به معروف و ... از کارکرد ترغیبی زبان به منظور نیل به اهداف کارکرد ارتباطات کلامی استفاده نموده است:

| | |
|--------------------------|-----------------------------|
| آینه دل ز زنگ کفر و نفاق | نشود روشن از خلاف و شقاق... |
| هر که اندر حجاب جاویدست | مثل او چو بوم و خورشیدست... |
| گرت باید که بر دهد دیدار | آینه کژ مدار و روشن دار |

(سنایی، ۱۳۵۹: ۲۷/ب ۱-۲۲).

در ارتباط کلامی ذیل نیز می توان به سه کارکرد اجتماعی زبان در رسیدن به مقصود سنایی نام برد؛ چنانکه با توجه به جهت گیری پیام به سوی مخاطب و تنبه و هدایت و پند و نصیحت او به کارکرد ترغیبی و از سوی دیگر با توجه به عنایت سنایی به محتوا و مضمون ارائه شده در ارتباط کلامی، می توان به کارکرد ارجاعی و نیز با توجه به اینکه از قالب تمثیل و حکایت برای ارائه محتوای مورد بحث و خود پیام استفاده شده می توان به کارکرد همدلی و ادبی اشاره نمود:

| | |
|--------------------------|-------------------------|
| راز دل گر همی نخواهی فاش | با سیه رویی دو عالم باش |
|--------------------------|-------------------------|

زانکه آنرا که آرزو طلب است
 زین هوسهای هرزه دست بدار
 افعی آرزوت اگر بگزد
 بگذار از جان و عقل یکباری
 می‌بگویم سخن ترا به غمز
 تا زباطل بنگذری حق نیست
 پرده‌در روز و پرده‌دار شب است
 آرزو زهر دان و معده چو مار
 با تو این کارها بپزد...
 تا به فرمان حق رسی باری
 لیکن از راه حق به نکته و رمز
 که از این نیمه حق مطلق نیست
 (سنایی، ۱۳۵۹: ۳۸ / ب ۷-۲۰).

یکی از کارکردهای اجتماعی ارتباط کلامی ترغیب مخاطب به شنیدن داستان و نتیجه‌گیری تعلیمی و اخلاقی است و این همان کارکرد ترغیبی است و از سوی دیگر به مانند اغلب ارتباطات کلامی که سنایی در حدیقه ارائه نموده است در این ارتباط کلامی نیز جهت‌گیری کلام به سمت و سوی معنا و مفهوم عرفانی است که بیانگر کارکرد ارجاعی است. از سوی دیگر انتخاب مجرای ارتباطی حکایت برای القای معنا و مفهوم ارتباط کلامی نیز می‌تواند کارکرد همدلی و ادبی برای ارتباط کلامی باشد:

بود پیری به بصره در زاهد
 گفت هر بامداد برخیزم
 نفس گوید مرا که هان ای پیر
 بازگو مر مرا که تا چه خورم
 گوید آنگاه نفس من با من
 که نبود آن زمان چنو عابد
 تا از این نفس شوم بگریزم
 چه خوردی بامداد کن تدبیر
 منش گویم که مرگ و درگذرم
 که چه پوشم بگویمش که کفن...
 (سنایی، ۱۳۵۹: ۶۳ / ب ۱-۹).

در رابطه با استفاده سنائی از آیات و احادیث به طور کلی می‌توان گفت که «او دو نوع استفاده از متن دین دارد. گاهی غرضش بیان یک مضمونی است که در کلام الله و یا احادیث آمده و در این موارد آن آیه یا حدیث خودش هدف اصلی است و گاهی از آیات و احادیث در جهت تأیید یا مستدل ساختن سخنان خودش بهره می‌گیرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۲۴). این گونه استفاده از آیات و احادیث به منظور تأکید بیشتر و القای پیام ارتباط کلامی بیانگر کارکردهای ترغیبی، ارجاعی و نیز همدلی و ادبی زبان در جهت رسیدن به اهداف اجتماعی چون اشاعه معانی و مفاهیم دینی و عرفانی است.

در ارتباط کلامی ذیل نیز با توجه به جهت‌گیری پیام به سمت پیام و محتوا و مضمون آن از کارکرد ارجاعی و نیز با توجه به اینکه هدف سنایی ارائه پیام و پند حکایت به مخاطب است می‌توان گفت که جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب است:

باز را چون ز بیشه صید کنند
 گردن و هر دو پایش قید کنند

هر دو چشمش سبک فرو دوزند
خو ز اغیار و عاده باز کند
اندکی طعمه را شود راضی
بی ریاضت نیافت کس مقصود
رو ریاضت کش ارت باید باز
دیگران غافلند تو هش دار

صید کردن ورا بیاموزند
چشم از آن دیگران فراز کند
یاد نارد ز طعمه ماضی...
تا نسوزی ترا چه بید و چه عود
ورنه راه جحیم را می ساز
و اندرین ره زبانت خامش دار

(سنایی، ۱۳۵۹: ۷۷/ب ۱-۱۵).

استفاده از قالب حکایت برای ارتباط کلامی و محتوای عرفانی و تعلیمی بیانگر کارکرد همدلی و ادبی زبان برای اشاعه پند و نصیحت اخلاقی و هدایت به مخاطب است:

در سخاوت چنانکه خواهی ده
ستد و دانش را مباحش زبون
مرد گرد در خرد گردد
هر کجا رخ نهادی ای عاقل
هر که تدبیر رأی بد نکند
از خرد خواجه شو که سنگ سپید

لیکن اندر معاملت بسته
مرده بهتر که زنده و مغبون
تنگ میدان به گرد خود گردد...
تو به آبی چو بد نداری دل
ستد و داد بی خرد نکند...
لعل شد زیر دامن خورشید

(سنایی، ۱۳۵۹: ۱۶۰/ب ۱-۱۸).

جهت گیری پیام ارتباط کلامی ذیل به سوی خود پیام بیانگر نقش ارجاعی زبان در القا و اشاعه معنا و مفاهیم عرفانی برای هدایت مخاطب است.

...نیست جز شرع و عقل و جان و دماغ
عقل جز داد و کرم نکند
مده ای پور روز نیک به بد
با خرد باش و از هوا بگریز
سخن عقل چو تمام آمد

خلق را در دو خطه چشم و چراغ
که اولوالامر خود ستم نکند
با خرد روز آن نه با دل خود
که هوا علتیست رنگ آمیز...
علم را در جهان نظام آمد

(سنایی، ۱۳۵۹: ۱۶۴/ب ۱-۲۸).

سنایی مسائلی اخلاق اجتماعی را با اخلاق زاهدانه و عارفانه در کنار هم می آورد و جهانی می آفریند که به گمان او، انسان در آن سعادت مند و عاقبت به خیر شود. راوی و گوینده این ارتباط کلامی، خود سنایی در قالب راوی سوم شخص است. در این گونه ابیات و ارتباطات کلامی جهت گیری پیام ارتباط کلامی به خود پیام، بیانگر کارکرد ارجاعی

زبان و نیز با توجه به هدف ارتباط کلامی در تنبه و هدایت مخاطب، می‌توان به کارکرد ترغیبی زبان در جهت تحقق اهداف اجتماعی ارتباط کلامی از جمله هدایت و امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود (ص ۸۰، ابیات ۱-۱۰):

| | |
|------------------------------|---------------------------|
| هست حق را ز بهر جان شریف | اندر اثناء حکم صنع لطیف |
| داند آن کس که خرده‌دان باشد | کانچه او کرد خیرت آن باشد |
| نیک نز میل و بد نه ز اسبابست | بد نه از فصد لیک جلابست |

(سنایی، ۱۳۵۹: ۸۰ / ب ۱-۳).

سنایی در قالب حکایت ذیل، نکات عرفانی از جمله: خاموشی در طریق سلوک، برتری زبان حال بر زبان قال، پرهیز از تقلید، لزوم علم همراه عمل و علم شناخت خداوند را یادآور می‌شود. راوی این ارتباط کلامی خود سنایی در قالب سوم شخص است. در واقع سنایی از طریق این حکایت و گفتگوهایی که میان شخصیت‌ها رد و بدل می‌شود، اندیشه‌های عرفانی و درونیات خود را به صورت پند و اندرز اخلاقی و تعلیمی و عرفانی به مخاطب القا می‌کند. تأکید سنایی بر محتوا و پیام حکایت بیانگر کارکرد ارجاعی زبان و نقش اجتماعی ارتباط کلامی است:

| | |
|----------------------------|---------------------------|
| ...در ره او سخن فروشی نیست | در رهش بهتر از خموشی نیست |
| بگذر از قال و حال پیش آور | قال قیدست زو سبک بگذر |
| راه تقلید و قید رو بگذار | وز هوسها بجمله دست بدار |
| علم در مغزت و عمل در پوست | همچو نور چراغ و روغن اوست |
| گر برای خداست اندک بس | وز پی مال و جاه اینت هوس |

(سنایی، ۱۳۵۹: ۱۷۰ / ب ۱-۲۴).

در ارتباط کلامی که با عنوان «فی ذم الطمع والحرص» سنایی به قصد نصیحت و پند مخاطب برای دوری از حرص و طمع به نصیحت پرداخته است. در ارتباط کلامی همین باب سنایی نصیحت و پند را رها کرده و برای مخاطب از سجایای اخلاقی صوفیان صحبت نموده است. در واقع هدف از این ارتباط کلامی آشنا نمودن مخاطب با خلق و خوی تصوف و آیین و طریقت صوفیان به قصد معرفی آنها و آگاه سازی مخاطب، استفاده نموده است. در این ارتباطات کلامی تکیه بر آگاه‌سازی مخاطب و محتوا است؛ این همان نقش ارجاعی زبان است که بیانگر کارکرد اجتماعی آن است.

۴. بررسی کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی در مثنوی مولوی مصور

ویژگی‌های ارتباطات کلامی در مثنوی بیانگر آن است که ارتباطات کلامی در این اثر دارای کارکردهایی از جمله: کارکرد تعلیمی- تربیتی، کارکرد بیان گفتگو، کارکرد بیان ما فی الضمیر و تسکین روح، کارکرد آماده سازی ذهنی و فکری و روحی برای درک معانی و تعالیم عرفانی و اخلاقی و ایجاد مفاهیم و تفهیم، هدایت و از همه مهم‌تر

داستان‌پردازی که هنر برجسته مولوی است و ... است. این کارکردها در بردارنده کارکردهای اجتماعی زبان در قالب نقش ترغیبی، ارجاعی و ... است.

در واقع از ویژگی‌های ارتباطات کلامی مثنوی، تأکید مولوی بر پیام حکایت و ارتباطات کلامی است چنانکه در بسیاری موارد خود حکایت را رها نموده نموده و هدف و پیام را به صورت مستقیم برای مخاطب بازگو نموده است. این امر بیانگر نقش ارجاعی کلام و ارتباطات کلام مولوی در مثنوی است. البته دانست که کلام و ارتباطات کلامی در مثنوی دارای نقش ترغیبی و ادبی نیز می‌باشند؛ چنانکه در بسیاری از ارتباطات کلامی مولوی با جملات امری مخاطب را به شنیدن داستان و حکایت دعوت می‌کند و چنانکه گفته شده تمام امکانات زبانی در مثنوی، همه برای رساندن معانی و مفاهیم بلند عرفانی و تعلیمی و پیام‌نهایی آنها به خدمت گرفته شده‌اند. مولوی با دعوت مخاطب خود که دیگران هستند سعی در ایجاد مفاهیم و هدایت آنها دارد و از آنها می‌خواهد به حکایتی که پند و تعلیمی را در بر دارد و حقیقت احوال درونی همه آدمیان است، گوش فرا دهند. در تصویر شماره (۱) نمودی از تصویرسازی تعلیمی مشاهده می‌شود.



تصویر ۱: نگاره مبارزه علی (ع) با دشمنان، قرن هشتم هجری، نسخه مصور مثنوی مولوی، مأخذ: موزه آستان قدس رضوی.

هدف مولوی در حکایت «**قصه خورندگان پیل بچه از حرص و ترک نصیحت ناصح**» ارائه مفاهیم عرفانی و تعلیمی می‌باشد. در این حکایت فیل تمثیلی است از حضرت حق تعالی، پیل بچگان تمثیلی است از انبیاء و اولیاء و انسان‌های کامل، خورندگان فیل تمثیلی است از معاندان و مخالفان انبیاء و اولیاء و خوردن بچه فیل نیز تمثیلی از مخالفت و ستیز معاندان با انبیاء و اولیاء. محتوای این حکایت بیانگر آن است که گروهی از مسافران به سرزمین هند رسیدند و چون گرسنه بودند تصمیم به شکار بچه فیل گرفتند اما در این میان مردی دانا با آنان روبرو شد و از سر

دلسوزی آنها را راهنمایی کرد که فیل‌ها بوی فرزندان خویش را به خوبی تشخیص می‌دهند اگر شما فیلی شکار کنید و بخورید قطعاً گرفتار انتقام پیلان مست خواهید شد. بعد از رفتن مرد دانا گرسنگی بر آنان غلبه کرد و نصیحت او را فراموش کردند و بچه فیل فریبی را شکار کردند و تنها در میان آنان یک نفر بر هوس خود غالب شد و دهان به خوردن گوشت بچه فیل نیالود. بعد از به خواب رفتن آنان فیلی خشمگین سر آمد و ابتدا دهان آن مرد را بویید و سپس به سراغ جمع خوابیدگان رفت و از بوی دهان آنان دریافت که قاتل فرزندش همان‌ها هستند و بی‌درنگ آن جمع را به هلاکت رسانید.

مولوی مفاهیم عرفانی را در قالب این حکایت به مخاطب می‌رساند و به همین منظور از پیام‌های کلامی و اغراض آن بهره می‌گیرد.

در این حکایت در بیت اول:

آن شنیدی که تو در هندوستان دید دانایی گروهی دوستان (مولوی، ۱۳۹۳: ۶۹/۳).

مولوی با هدف ایجاد مفاهیم و هدایت، دیگران را مخاطب قرار می‌دهد و سعی در شناساندن حقایق وجودی انسان‌ها دارد. راوی در بیت اول این حکایت، خود مولوی است که مفاهیم تعلیمی و عرفانی را به مخاطب القاء می‌کند. بعد فضای حاکم بر حکایت را از طریق گفتگو برای مخاطب به تصویر می‌کشد و از زاویه سوم شخص به بیان این حکایت می‌پردازد. به طوری که گویی مولوی به مخفی‌ترین زاویای روح شخصیت‌ها آگاه است و نه تنها درباره آنها همه چیز را می‌داند بلکه درباره همه کارها و اشیایی که آنها در خلال حوادث به نوعی با آن درگیر می‌شوند، اطلاع کامل و تجربه وسیع دارد. تصویر شمار (۲) ارتباط میان خالق و مخلوق را به نمایش گذاشته است.



تصویر ۲: برگزاری از مثنوی مولوی، سرور پس از استجابت دعا، نسخ مصور مربوط به دوره تیموری، قرن هشتم. مأخذ: موزه آستان قدس رضوی.

در ادامه این حکایت سخن بدین جا می‌رسد که مرد دانا خورندگان فیل را از خوردن بچه فیل منع می‌کند، مولوی بعد از آشنا کردن ذهن مخاطب از طریق نمایشی کردن کلام و تغییر مخاطب از سوم شخص به اول شخص در قالب دو بیت با هدف تأثیر گذاری بیشتر کلام، شروع به پند دادن مخاطب که دیگران هستند، می‌کند. این تأکید او بر محتوا و مضمون ارتباط کلامی بیانگر نقش ارجاعی و کارکرد ارجاعی ارتباط کلامی است:

اولیا، اطفال حقد ای پسر
غایبی مندیش از نقصانشان
در حضور و غیبت، ایشان با خبر
کو کشد کین از برای جانشان
(مولوی، ۱۳۹۳: ۷۹/۳ و ۸۰).

مولوی از ارائه ارتباط کلامی خویش به دنبال کارکرد تعلیمی- تربیتی است و لازم است ساختار ارتباطی زبان به گونه‌ای سازماندهی شود که علاقه مخاطب خود را به موضوع و پیام و پند مورد نظر خود برانگیزد و تأثیراتی پایدار را بر روح و جان آنها رقم بزند. مولوی ویژگی‌های شخصیتی مخاطب خویش را در نظر می‌گیرد و پیام و نصیحت خویش را منتقل می‌کند این همان نقش و کارکرد ارجاعی و ترغیبی زبان باشد؛ چنانچه در مثنوی خود اعلام نموده است:

بیش از این با خلق گفتن روی نیست
عیب نبود این بود کار رسول
بحر را گنجایی اندر جوی نیست
(مولوی، ۱۳۸۴/۱ / ۱۸۸).

مولوی در حکایت «منازعت چهار کس جهت انگور که هر یکی به نام دیگر فهم کرده بود آن را» که بیانگر آن چهار نفر است که هر کدام زبان خاصی داشتند به جایی آمدند. شخصی یک درم به آنها داد تا برای خود چیزی بخرند. آنکه فارس زبان بود گفت: برویم انگور بخریم. عرب زبان گفت: انگور دیگر چیست؟ من عنب می‌خواهم. آنکه رومی بود گفت: من نه انگور می‌خواهم نه عنب، من استافیل (انگور) می‌خواهم. آنکه ترک زبان بود گفت: من نه انگور می‌خواهم نه عنب و نه استافیل، باید برویم ازوم (انگور) بخریم. سرانجام حکیمی که به هر چهار زبان آگاهی داشت به آنان فهماند که همه شما یک چیز می‌خواهید.

مولوی در این حکایت، بار دیگر مباحث عرفانی و تعلیمی را مطرح می‌کند و بیان می‌دارد که: بیشتر اختلافات رایج در میان مردم دنیا، لفظی است. مولوی با تأکید پیام و محتوای حکایت در ارتباط کلامی ایجاد شده از نقش ارجاعی زبان به منظور انتقال پیام تعلیمی و امر به معروف و تهی از منکر مخاطب استفاده نموده است:

چار کس را داد مردی یک درم
آن یکی گفت: این به انگوری دهم...
(مولوی، ۱۳۹۳: ۳۶۸/۲).

در میانه حکایت (۳۶۹۸-۳۶۹۹) مولوی به نتیجه‌گیری اخلاقی و تعلیمی از حکایت می‌پردازد. در این ارتباط کلامی که به منظور هدایت و مفاهمه و تفهیم و بیان مفاهیم عرفانی و تعلیمی، با مخاطب برقرار شده مولوی بیان می‌دارد که ریای مشایخ بهتر از اخلاص ناقصان است. زیرا عمل او از بینایی و روشن دلی است. مولوی در ابیات (۳۷۰۰-۳۷۰۳)

به شیوه تلمیح به داستان حضرت سلیمان و آموختن زبان پرندگان اشاره می‌کند. سپس در بیت (۳۷۰۴) با تغییر راوی از سوم شخص به اول شخص، به منظور پند و توصیه و بیان مباحث عرفانی و تعلیمی با مخاطب ارتباط کلامی برقرار می‌کند. مولوی در این راستا از اقتباس آیات به شیوه تضمین (۳۷۰۰-۳۷۰۸) بهره گرفته است:

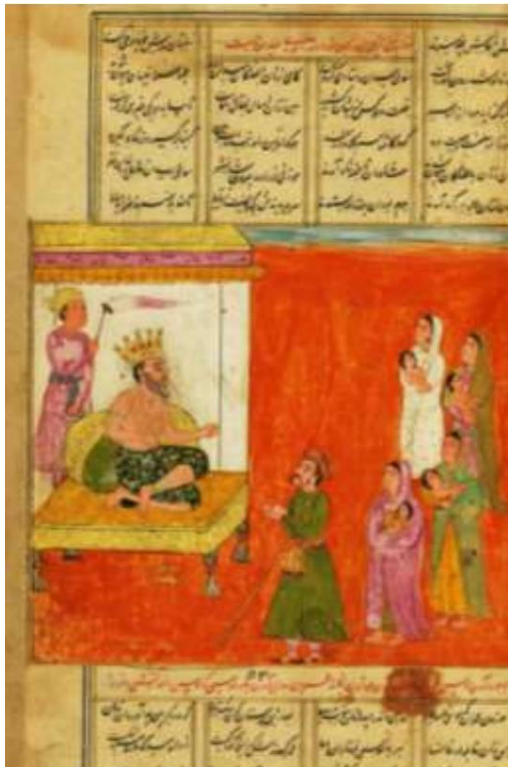
تو چه موری بهر دانه می‌دوی
هین سلیمان جو چه می‌باشی غوی؟
دانه‌جو را، دانه‌اش دامی شود
و آن سلیمان جوی را هر دو بود...
(مولوی، ۱۳۹۳: ۳۷۰۴/۲ و ۳۷۰۵).

همه ارتباطات کلامی ایجاد شده فوق در جهت هدایت و امر به معروف و نهی از منکر مخاطب به شیوه حکایت هستند که همان استفاده از کارکرد ارجاعی زبان در ارتباطات کلامی است. در تصویر شماره (۳) پند دادن به عنوان نوعی ارتباط کلامی به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۳: نگاره پند دادن موسی به فرعون، مثنوی معنوی مصور از دوره تیموری، قرن هشتم، مأخذ: موزه آستان قدس رضوی.

یکی از ساختارهایی که بسیار در مثنوی به چشم می‌خورد رجوع مولوی به حکایت و موضوعی است که قبلاً در برهه‌ی زمانی دوری به آن اشاره نموده که با هدف هشدار دوباره به مخاطب و تنبه و آگاهی‌بخشی به اوست؛ این همان کارکرد ارجاعی زبان یا یکی از کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی است که مورد توجه مولوی بوده. نکته‌ی دیگری که در حیطه‌ی مخاطب در مثنوی قابل ذکر است این امر است که اعتقاد مولوی در استفاده از لفظ در رسیدن به معنا و مقصود و استفاده از سخن برای ایجاد ارتباط است. به عبارت دیگر مولوی می‌خواهد چشم خواننده را به افق‌های عالم معنی بگشاید و او را در فهم مطلب همراه خود سازد. به عبارت دیگر مولوی با تأکید پیام و محتوای سخنش در ارتباطات کلامی به نقش و کارکرد ارجاعی زبان توجه داشته که یکی از کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی است. لذا اگر چه مولوی در ارائه‌ی مطلب مخاطب‌زده نیست و مخاطب‌گرایی او را از اوج‌گیری سخن باز نمی‌دارد اما جوهره‌ی زبان یعنی ارتباط، به ناگزیر پلی را میان وی و مخاطبانش برقرار می‌کند... جاذبه‌ی درون‌گرایی و کلام محوری از یک سو و ارتباط با مخاطب از سوی دیگر جزر و مدی دائمی را در مثنوی به وجود آورده است. از سوی باید دانست که انتخاب نوع راوی و گوینده‌ی ارتباطات کلامی نیز تحت تأثیر کارکردها و اهداف ارتباطات کلامی است و با توجه اهداف ارتباطات کلامی نوع راوی در ارتباطات کلامی دچار نوسان است. چنانچه اغلب در ارتباطات کلامی که هدف از آن القای مفاهیم بلند عرفانی و تعلیمی و اخلاقی و ... است نوع راوی به روای اول شخص و شیوه‌ی روایت مستقیم تغییر کرده است چرا که گویا اغلب بیان این نکات اخلاقی و تعلیمی را به صورت مسقیم و از زبان خود برای مخاطبش، تأثیرگذارتر دانسته است. تصویر شماره (۴) نوعی ارتباطات کلامی از نوع دستور به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۴: نگاره تدبیر فرعون برای سر بردن نوزادان پسر، مثنوی معنوی مصور، مربوط به دوره تیموری، قرن هشتم، مأخذ: موزه آستان قدس رضوی.

مولوی این حکایت « اندرز کردن صوفی، خادم را در تیمار داشت بهیمنه، و لا حول گفتن خادم: نمایشی - فکاهی، بی‌وفایی و غداری مردم روزگار را بیان می‌دارد. خادم، تمثیل مردم فریبکار و بی‌قیدی است که برای عهد و قول خود هیچ ارزشی قائل نیستند. هدف مولوی از این ارتباط کلامی که با مخاطب برقرار می‌کند، منعکس کردن وضعیت اجتماعی زمانه خود می‌باشد. بیت اول این حکایت:

صوفی می‌گشت در دور افق
تا شبی در خانقاهی شد فُنق...
(مولوی، ۱۳۹۳: ۱۵۶/۲).

مولوی در بیت (۱۵۹) به بیان دیدگاه و اندیشه خود درباره صوفی می‌پردازد. هدف مولوی از ایجاد این ارتباط کلامی، اثبات نظر خود و ایجاد مفاهمه و تفاهم مخاطب است. در ادامه حکایت، مولوی با تغییر راوی از سوم شخص به اول شخص، به بیان مباحث عرفانی و تعلیمی به مخاطب در قالب پند و اندرز است و هدف از ارتباط کلامی او در این ابیات ایجاد مفاهمه و تفهیم و هدایت مخاطب و پذیرش پند و تعلیم می‌باشد و این مفهوم عرفانی را به مخاطب القا می‌کند که روح انسان کامل، هر چیزی را که مقید به چگونگی و کیفیت است، فارغ از چگونگی و کیفیت دیده است. ضمن اینکه مولوی در این راستا از تشبیه (۱۵۹)، تمثیل (۱۶۱-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷)، تضمین (۱۶۵-۱۷۱) بهره گرفته است:

با تو دیوارست، با ایشان در است
با تو سنگ و، با عزیزان، گوهر است...
(مولوی، ۱۳۹۳: ۱۶۶/۲).

مولوی بار دیگر در ابیات (۱۸۸-۱۹۲) این بار در قالب راوی سوم شخص به منظور ایجاد مفاهمه و هدایت مخاطب و بیان اندیشه‌های خود به طرح مباحث عرفانی می‌پردازد. بار دیگر مولوی در بیت (۱۹۹) به بیان نظر خود می‌پردازد لذا راوی اول شخص را به شیوه گفتگو بر می‌گزیند و به طرح مباحث عرفانی و تعلیمی با هدف ایجاد مفاهمه و تفهیم و ابداع اندیشه‌ها و معانی تازه می‌پردازد:

صوفی آن صورت مپندار ای عزیز
همچو طفلان تا کی از جوز و، مویز؟
جسم ما جوز و، مویز است ای پسر
گر تو مردی، زین دو چیز اندر گذر...
(مولوی، ۱۳۹۳: ۱۹۹/۲ و ۲۰۰).

مولوی در بیت (۲۰۳-۲۵۰) به حکایت اصلی باز می‌گردد و با نمایشی کردن در قالب راوی سوم شخص، فضای حکایت را برای مخاطب بیان می‌کند. بخشی از گفتگوها نیز گفتگویی است که شخصیت‌ها با خود دارند. در این گفتگوها مخاطب در واقع همان متکلم است، اندیشه‌ها و تصورات شخصیت بیان می‌شود و از طریق آن روحیه اشخاص فاش می‌شود. این گفتگوها علاوه بر افشای روحیه و خلق و خوی شخصیت‌ها، علت تصمیم آنان را به عملی خاص توجیه

می‌کند. این گفتگوها از یک طرف به انسجام و روال منطقی حکایت‌ها در شطح ظاهر مدد می‌رساند و از طرف دیگر خواننده را به تأویل حکایت بر زمینه‌ای عرفانی وسوسه می‌کند.

باز می‌گفت: ای عجب آن خادمک
نه که با ما گشت هم نان و نمک؟
من نکردم با وی الا لطف و لین
او چرا با ما کند بر عکس، کین؟...
(مولوی، ۱۳۹۳: ۲۲۶/۲ و ۲۲۷).

مولوی در بیت (۲۵۰) به نتیجه‌گیری از این حکایت می‌پردازد و به مخاطب که دیگران هستند هشدار می‌دهد که فریب سخنان شیرین افراد ظاهر الصلاح را نخورند. هدف مولوی از ایجاد این ارتباط کلامی، مفاهمه و تفهیم و هدایت مخاطب و بیان اندیشه‌های خود و بیان پند و توصیه به مخاطب است. لذا راوی اول شخص را برمی‌گزیند. ضمن اینکه در این جهت از تشبیه (۲۵۲-۲۵۳)، تمثیل (۲۸۸-۲۸۹-۳۰۳)، تضمین (۲۶۳-۲۹۸-۳۰۰) نیز بهره گرفته است:

آدمی خوارند اغلب مرمان
از سلام علیک‌شان کم جو امان
خانه دیو است دل‌های همه
کم پذیر از دیو مردم دمدمه...
(مولوی، ۱۳۹۳: ۲۵۱/۲ و ۲۵۲).

مولوی با تأکید پیام و محتوای سخنش در ارتباطات کلامی به نقش و کارکرد ارجاعی زبان توجه داشته که یکی از کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی است. از سوی دیگر اهتمام او در استفاده از قالب حکایت نیز آرایه‌هایی چون تمثیل و تلمیح و ... در بیان اغراض کلامش از جمله پند و اندرز و امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه بیانگر کارکرد ادبی زبان، علاوه بر کارکرد ارجاعی و ترغیبی (جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب) آن است.

نتیجه‌گیری

حدیقه و مثنوی به عنوان برجسته‌ترین آثار منظوم عرفانی و تعلیمی زبان پارسی دارای ویژگی‌های ارزشمندی هستند از جمله این ویژگی‌ها ارتباطات کلامی ارائه شده در این آثار است که غالباً با اهداف اجتماعی چون پند و نصیحت مخاطب و هدایت انسان، تنبه و آگاه‌سازی او، امر به معروف و نهی از منکر، نکوهش صفات نکوهیده و ستایش خوبی‌ها، اشاعه و ترویج افکار دینی و عرفانی و ... ارائه شده‌اند. بررسی ارتباطات کلامی در دو اثر شمنند بیانگر آن است که سنایی و مولوی در اغلب ارتباطات کلامی ایجاد شده، از کارکردهای ترغیبی و ارجاعی و نیز دو کارکرد ادبی و همدلی زبان در جهت تبیین کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی استفاده نموده‌اند. بدان صورت که با جهت‌گیری پیام ارتباط کلامی، به سوی مخاطب از کارکرد ترغیبی و با جهت‌گیری پیام به سوی مضمون و محتوای پیام ارتباط کلامی، از کارکرد ارجاعی و با انتخاب قالب خاصی مثل حکایت یا کاربرد تشبیه و تمثیل برای بیان پیام ارتباط کلامی، از کارکرد همدلی و با توجه به جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام، از کارکرد ادبی برای تبیین اهداف و کارکردهای اجتماعی ارتباطات کلامی استفاده نموده‌اند.

منابع:**کتاب‌ها:**

- سنایی غزنوی، ابوالمجد محدود بن آدم. (۱۳۵۹). حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (فخری نامه). تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). تازیانه‌های سلوک، تهران: آگاه.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: سوره مهر.
- فرهنگی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). ارتباطات انسانی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات رسا.
- فلاد، جیمز و پیتراج، سالوس. (۱۳۷۰). زبان و مهارت‌های زبانی، ترجمه علی آخشینی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مولوی، جلال الدین. (۱۳۹۳). مثنوی معنوی، شرح کریم زمانی، تهران: انتشارات اطلاعات.

مقالات:

- عبدالله‌زاده، مهدی و صمصامی، شیرین. (۱۳۹۶). «شاخصه‌های ارتباط کلامی در تمثیلات مثنوی»، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، پیاپی ۳۱، صص. ۶۶-۹۱.
- گرچی، مصطفی و محمدی، مهدی. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل مفهوم ارتباط‌های چهارگانه بشری در مثنوی معنوی»، فصلنامه علمی پژوهشی عرفانیات در ادب فارسی، شماره ۲۰، صص. ۱۱-۳۶.

پایان‌نامه‌ها:

- احمدیانی، محمدهادی. (۱۳۹۶). بررسی و تبیین ارتباطات انسانی در آثار سعدی، پایان‌نامه دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج.